

## **An Introduction to the Ontology of Lies from the Perspective of the Qur'an**

**Hossein Hassanzadeh<sup>1</sup>**

**Received: 28/12/2021**

**Accepted: 30/01/2022**

### **Abstract**

This study aims to discover the existential and ontological relationship between the word "lie" and other words in the Holy Quran. The question is whether there is a way to discover the exact, explicit, clear, and true relationship between the concept of lie and other concepts in the Qur'an so that the geometry of this concept can be accurately illustrated from the perspective of the Holy Qur'an. To achieve this goal and through a descriptive method and content analysis, it has been tried to use the method of ontology, in the sense intended in information science (scientology) to discover the existential relationship between the word lie and other concepts in the Qur'an. The research data is that in the Holy Qur'an, the word Kidhb (meaning lie) and its derivatives such as Takdhib, Kadhib, Yakdhiboun are related to many other words such as polytheism, infidelity, hypocrisy, non-adherence to divine guardianship and non-adherence to religion. By using the ontology method, the type of these relationships is clearly, accurately, and vividly illustrated. For example, polytheism has been shown to be one of the greatest lies and polytheist is the greatest liar.

### **Keywords**

The Qur'an, Kidhb, lie, truth spreading, big lie, lie anthology, anti-lying.

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. [h.hasanzadeh@isca.ac.ir](mailto:h.hasanzadeh@isca.ac.ir).

\* Hassanzadeh, H. (1400 AP). An introduction to the ontology of lies from the perspective of the Qur'an. *Journal of Islamic Knowledge Management*, 3(6). pp. 8-28.

---

## مقدمه‌ای بر هستی‌شناسی دروغ از منظر قرآن

حسین حسن‌زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

### چکیده

هدف این پژوهش کشف ارتباط وجودی و هستی‌شناسانه واژه دروغ با واژه‌های دیگر در قرآن کریم است. سؤال این است آیا راهی برای کشف ارتباط دقیق، صریح، شفاف و مطابق با واقع مفهوم دروغ با سایر مفاهیم در قرآن وجود دارد تا به وسیله آن، هندسه این مفهوم از منظر قرآن شریف به‌طور دقیق ترسیم شود. برای رسیدن به این مقصود و با روش توصیفی و تحلیل محتوا، سعی شده است از روش آنتولوژی، به معنای مورد نظر در علم اطلاع‌رسانی (علم دانش‌شناسی) برای کشف ارتباط وجودی بین واژه دروغ با سایر مفاهیم در قرآن استفاده شود. داده پژوهش این است که در قرآن کریم واژه کذب و مشتقات آن مانند تکذیب، کاذب، یکذبون با واژه‌های فراوان دیگر مانند شرک، کفر، نفاق، عدم التزام به ولایت الهی و عدم التزام به دین ارتباط دارد که با استفاده از شیوه آنتولوژی، نوع این ارتباطات به‌صورت صریح، دقیق و شفاف ترسیم گردیده است؛ مثلاً مشخص شده است شرک، یکی از بزرگ‌ترین دروغ‌ها و مشرک، بزرگ‌ترین دروغگو است.

### کلیدواژه‌ها

قرآن، کذب، دروغ، راستی‌گستری، دروغ بزرگ، آنتولوژی دروغ، دروغ‌ستیزی.

h.hasanzadeh@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

\* حسین‌زاده، حسین. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر هستی‌شناسی دروغ از منظر قرآن. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۳(۶). صص ۸-۲۸.

## مقدمه

زشتی رذیلت دروغ بر کسی پوشیده نیست؛ با این حال و به رغم توصیه اکید عالمان دینی بر زشتی آن باز هم این رذیلت در جامعه اسلامی شیوع دارد و با توجه به اینکه دروغ، کلید همه شرور است،<sup>۱</sup> طبعاً شیوع این زشتی اخلاقی پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد که حتماً باید با آن مبارزه شود؛ اما مبارزه با ناهنجاری‌های شایع در یک جامعه، بدون داشتن برنامه مشخص نتیجه‌بخش نیست و بلکه نتیجه عکس دارد؛ بنابراین ضرورت وجود برنامه برای مبارزه با این پدیده زشت اخلاقی اجتناب‌ناپذیر است و تردیدی نیست که قرآن به عنوان آخرین کتاب الهی و نسخه شفابخش دین جاوید الهی برای پاسخ به همه نیازهای بشر از جمله نیازهای اخلاقی، برنامه‌ای جامع دارد و حقیقت هر چیزی را به نحو احسن تبیین و آشکار می‌کند؛ همچنان که فرموده است: «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹). بنابراین درباره ریشه‌کن شدن دروغ هم برنامه دارد.

سؤال این است که این برنامه، چیست. مدعا این است که محور اصلی مبارزه قرآن در این باره مبارزه با دروغ‌های بزرگ است و حکمت الهی نیز همین را اقتضا دارد؛ زیرا با ریشه‌کن شدن جرم و گناهان بزرگ، اساساً زمینه گناهان کوچک نیز کمتر فراهم می‌شود. با توجه به این مطلب برنامه قرآن برای ریشه‌کن شدن دروغ در چند محور خلاصه می‌شود:

محور اول: روشنگری درباره این حقیقت که مقصود خدای تعالی از دروغ، کدام دروغ است. این مطلب را می‌توان از بسامد واژگانی کذب و مشتقات آن و نیز ارتباط این واژه با واژه‌های دیگر استنباط کرد؛

محور دوم: روشنگری از جهت بیان عوامل این دروغ‌های بزرگ؛

---

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالَ، وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ، وَ الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ؛ خداوند عز و جل برای شر قفل‌هایی قرار داده و کلیدهای آن قفل‌ها، شراب است و دروغ بدتر از شراب است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۴۱).

محور سوم: معرفی متولیان مبارزه با دروغ‌های بزرگ. درحقیقت قرآن برای مبارزه با دروغ‌های بزرگ، به صرف روشنگری اکتفا نمی‌کند، بلکه عملاً راهکار مبارزه با آن را نیز در اختیار بشر قرار داده است.

البته هریک از محورهای سه‌گانه بالا، مقاله مستقلی می‌طلبد. در این مقاله صرفاً محور اول بررسی می‌شود و با استفاده از شیوه آنتولوژی در مدیریت اطلاعات، تلاش شده است ارتباط میان واژه دروغ با سایر واژگان در قرآن به صورت دقیق، صریح و شفاف منعکس گردد.

کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره دروغ از دیدگاه قرآن نوشته شده است که بیشتر ناظر به بیان زشتی این رذیلت اخلاقی است و هندسه و حقیقت نظام واره کذب در قرآن، ترسیم نگشته است، و به نظر می‌رسد نکاتی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است از این منظر، نو و جدید باشد و همین نیز از امتیازات این پژوهش است. قبل از ورود به بدنه مقاله، تعریف برخی از مفاهیم، لازم به نظر می‌رسد.

## ۱. تعاریف

### ۱-۱. آنتولوژی

آنتولوژی در دانش‌های مختلف، کاربرد دارد و هر جایی نیز تعریف خاص خود را دارد. آنچه در این مقاله مد نظر است از منظر علم دانش‌شناسی است. این واژه از آغاز دهه ۱۹۹۰ از فلسفه وارد هوش مصنوعی شد و به یکی از مباحث پژوهشی مهم در علوم رایانه تبدیل گردید و در حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی از قبیل مهندسی دانش، پردازش زبان طبیعی و بازنمون دانش (صفری، ۱۳۸۳، ص ۷۹)، مهندسی نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و وب معنایی مورد مطالعه قرار گرفت. تعریف‌های متعددی از این واژه ارائه شده است. گروبر<sup>۱</sup> آنتولوژی را تشخیص روشن، واضح و ذکر خصوصیات صریح از مفاهیم می‌داند (شیخ شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴، ص ۸۴؛ صفری، ۱۳۸۳، ص ۸۰).

۱. Gruber.

سورگل<sup>۱</sup> معتقد است هستی‌شناسی‌ها شکل گسترش یافته رده‌بندی‌ها با هدف کمک به کاربران در بازیابی متون بر روی وب است (صنعت‌جو، ۱۳۸۴، ص ۸۴). از نظر «سوآ» آنتولوژی ذکر مشخصاتی از انواع مدخل‌ها در یک حوزه موضوعی خاص و نیز انواع روابط خاص است که در یک ترتیب جزئی و ساده سازمان یافته‌اند (صنعت‌جو، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

این تعریف‌ها به‌رغم تفاوت در تعابیر، یک نقطه اشتراک دارند و آن برقراری نظام سیستماتیک، عینی و گویا میان مفاهیم در یک حوزه خاص است و به نظر می‌رسد تنها تفاوت اساسی میان اصطلاح‌نامه و آنتولوژی در همین قید اخیر (گویایی رابطه بین مفاهیم) باشد. مقصود از «گویایی رابطه بین مفاهیم» کاهش ابهام مفهومی و وجود روابط معنایی روشن و دقیق میان مفاهیم یک علم است (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۶۷۸). وجود روابط معنایی دقیق در هستی‌شناسی‌ها برای بهبود و تقویت سیستم‌های بازیابی و فرایندهای خودکار استدلال ماشینی و همچنین وب معنایی بسیار مهم و لازم است (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۶۷۸). رویکرد حاکم بر طراحی و توسعه هستی‌شناسی‌ها بر آن است تا به جای ساختار ایستای اصطلاح‌نامه‌ها که عمدتاً مبتنی بر روابط سلسله‌مراتبی میان مفاهیم بنا می‌شود، ساختاری پویا و چندوجهی به دست دهد و میان مفاهیم، روابطی غیرخطی و شبکه‌ای برقرار سازد؛ همچنین این رویکرد به دنبال آن است که بازنمون دانش را هرچه بیشتر از زبان مصنوعی منفک کند و به زبان طبیعی و واقعی نزدیک سازد؛ از این جهت هستی‌شناسی‌ها نسبت به اصطلاح‌نامه‌ها می‌توانند منطقی‌تر بازنمون کارآمدتری و رضایت‌بخش‌تری از دانش ارائه دهند (فتاحی، ۱۳۹۵، ص ۴۱۷).

## ۲-۱. دروغ

برای دروغ تعریف‌های متعددی ارائه شده است، از جمله عدم مطابقت خبر با واقع (تفتازانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸؛ جرجانی، بی‌تا، ص ۱۳۸؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۰۲) یا عدم مطابقت خبر با نفس الامر یعنی عدم مطابقت آن با لوح محفوظ (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۹۶)

۱. Sorgel.

یا عدم مطابقت قول با ضمیر (نهان انسان) و مخبر عنه (واقع) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۸).  
 عالمان اخلاق به نوعی مفهوم دروغ را توسعه داده‌اند؛ به همین جهت دروغ در نیت و اراده (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۸)، دروغ در عزم (نوعی میل، ضعف و تردد در جزم بر خیر)، دروغ در وفای به عزم، دروغ در اعمال، دروغ در مقامات دین مانند دروغ در خوف و رجاء، دروغ در زهد و تقوا، دروغ در محبت و تعظیم خدا و دروغ در توکل و تسلیم در برابر خداوند تبارک و تعالی را نیز از مصادیق دروغ شمرده‌اند (نراقی، بی تا، ج ۲ ص ۳۲۹).

## ۲. حقیقت دروغ

برای درک حقیقت دروغ باید به سراغ قرآن و کلمات معصومان علیهم السلام رفت که مبین واقعی قرآن هستند؛ همچنان که قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (نحل، ۶۴).

امام صادق علیه السلام در کتاب مصباح الشریعه که منسوب به آن حضرت است، حقیقت صدق را تبیین کرده است و با توجه به اینکه دروغ، ضد صدق و راستی است، می‌توان از این حدیث، حقیقت دروغ را نیز استنباط کرد که به شرح ذیل است:

اولاً دروغ ظلمت است؛ دلیل این مطلب تقابل مفهوم صدق و کذب است و چون صدق و راستی طبق روایت امام صادق علیه السلام نور است، پس دروغ نیز ظلمت است.

ثانیاً دروغ، سنخیتی با حقیقت انسان ندارد و رفتاری برخلاف جریان طبیعی نفس انسانی است؛ زیرا دروغ را شیطان بدعت نهاده و قبل از او کسی سابقه دروغ‌گویی نداشته است.

ثالثاً کمترین حد کذب، مخالفت زبان با قلب و قلب با زبان است.

رابعاً دروغ شمشیر شیطان در زمین و فسادآفرین است. درمقابل، صدق شمشیر خدا در زمین است و جنبه اصلاحگری دارد.

خامساً خداوند سبحان هیچ‌گاه پشتیبان، حامی و کمک‌کار دروغگو نیست.

سادساً دروغ نافع نیست و انسان هیچ‌گاه از دروغ نفعی نمی‌برد، برعکس صدق که

همیشه نافع است (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۳۴).

### ۳. هستی‌شناسی دروغ از منظر قرآن

شناخت حقیقت دروغ و کشف و ترسیم هندسه و نقشه جامع این نقیصه اخلاقی از منظر قرآن متوقف بر مقدماتی است که در ادامه می‌آید.

#### ۳-۱. توجه به بسامد واژگانی دروغ در قرآن

یکی از الزامات فهم حقیقت دروغ و بالطبع، نحوه ریشه‌کن کردن آن از جوامع بشری، توجه به کاربرد واژه «دروغ» و مشتقات آن در قرآن است. این واژه با مشتقاتش ۲۸۲ مرتبه در قرآن آمده است که اکثر قریب به اتفاق آن در ارتباط با مسائل اعتقادی اعم از توحید، نبوت و معاد است؛ مانند «او کذب بآياته» (انعام، ۲۱) «وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجَرِ الْمُرْسَلِينَ» (حجر، ۸۰) «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَاعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا» (فرقان، ۱۱). همین تناسب درباره واژه «افک» - به معنای صرف قول از جهتش به جهتی دیگر یعنی از حق به باطل یا دروغ فاحش است - نیز مطرح است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۶).

#### ۳-۲. توجه به همنشینی و همجواری واژه دروغ و مشتقات آن با موضوعات دیگر

یکی دیگر از الزامات فهم دقیق هندسه و نقشه جامع دروغ از منظر قرآن، توجه به کلیدواژه‌های دیگری است که به نوعی در ارتباط با دروغ هستند که در قالب همنشینی و همجواری با واژه کذب و مشتقات آن در یک آیه یا در فضای یک موضوع مشخص قابل تحلیل اند و بدون توجه به این واژه‌ها و نحوه ارتباط وجودی آنها با دروغ و مشتقات آن، نمی‌توان هندسه دروغ از منظر قرآن را ترسیم کرد؛ مثلاً بدون توجه به واژه قرآن و ارتباط آن با مشتقات دروغ مانند «تکذیب» نمی‌توان مراد الهی از دروغ را به درستی فهمید. وقتی خدای تعالی تکذیب قرآن را مذمت می‌کند، در واقع به نوعی در صدد بیان معرفی مصادیق دروغ است؛ زیرا کسی که قرآن را تکذیب می‌کند، در واقع دارد خبر می‌دهد که این کتاب از جانب خدای تعالی نازل نشده است و این خود، خبری خلاف با واقع است؛ چرا که قرآن کتاب الهی و کلام مستقیم و بدون واسطه خدای تعالی است که برای هدایت بشر فرستاده شده است. توجه به این نکته لازم است

که بررسی همه واژه‌های مرتبط (اعم از ارتباط بی‌واسطه یا با واسطه) با کذب، پژوهش مستقلی را می‌طلبد؛ در این مقاله فقط برخی از واژگانی که ارتباط صریح‌تری با کذب و مشتقات آن دارند بررسی می‌شود، این موارد عبارت‌اند از:

۱. واژه «قرآن» و واژگانی که مفسران آنها را به قرآن تفسیر کرده‌اند، به‌عنوان متعلق تکذیب، مانند:

– «ما» در آیه «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ» (یونس، ۳۹) و آیه «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ» (واقع، ۸۲). برخی از مفسران، متعلق تکذیب در این دو آیه را قرآن شریف دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۸۰؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۶۶ و ج ۱۹، ص ۱۳۸).

– واژه «الکتاب»، مانند آیه «الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (غافر، ۷۰) که مراد از «الکتاب» قرآن کریم است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۵۰).

– واژه «بینه» مانند آیه «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ» (انعام، ۵۷) که مقصود از «بَيِّنَةٍ» قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۷۹).

– دعوت حقه، «وَلَكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (قیامت، ۳۲) متعلق «كَذَّبَ» در این آیه، دعوت حقه است که قرآن مشتمل بر آن است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۱۴).

– واژه «الحق» مانند آیه «أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ» (عنکبوت، ۶۸) که گفته شده مقصود از «الحق» قرآن یا حضرت محمد ﷺ است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۵۸).

– واژه «آیات»، مانند آیه «أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ» (انعام، ۲۱) که گفته شده مقصود از آن، قرآن است (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۵۵).

۲. واژه افترا که اکثراً درباره افترا به خدای تعالی است، مانند آیه «فَمَنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ» (آل عمران، ۹۴).

۳. واژه «فلاح» که در قرآن شریف واژه‌ای است که در تضاد با افترای دروغ به خدای تعالی و تکذیب آیات او آمده است. خداوند سبحان کسانی را که به او افترا ببندند یا آیاتش را تکذیب کنند، تهدید کرده است که به فلاح و رستگاری نمی‌رسند؛ مانند آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام، ۲۱).



۴. واژه «ظلم و ظالم». افترا دروغ به خدا و تکذیب آیاتش از مصادیق ظلم، بلکه بزرگ‌ترین ظلم است؛ مانند آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام، ۲۱).

۵. واژه‌های مربوط به روز قیامت. بخش قابل توجهی از متعلقات تکذیب در قرآن شریف در ارتباط با تکذیب روز قیامت و واژه‌های مربوط به آن است، مانند:

- واژه «یوم الدین» در آیه «الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ» (مطفین، ۱۱) که مقصود روز جزا یعنی روز قیامت است (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۹۳).

- واژه «لقاء الآخرة»، مانند آیه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ» (اعراف، ۱۴۷) که مقصود «بعث» یعنی روز قیامت است (شبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۴۸).

- واژه «لقاء الله» مانند: آیه «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ» (انعام، ۳۱) برخی مفسران آن را به یوم‌البعث یعنی روز قیامت تفسیر کرده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۳۱۴).

- واژه «الساعة» مانند آیه «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ» (فرقان، ۱۱) که مقصود روز قیامت است (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۵۲).

- واژه «القارعة»، مانند آیه «كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَ عَادُ بِالْقَارِعَةِ» (حاقه، ۴) که طبق نظر مرحوم علامه طباطبایی مقصود از آن روز قیامت است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۹۲).

- واژه «النار» «عذاب النار»، مانند آیه «هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ» (طور، ۱۴) و آیه «وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ» (سجده، ۲۰).

- واژه «یوم‌الفصل» مانند: آیه «هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ» (صافات، ۲۱) که مقصود روز قیامت است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۵۴).

- واژه «الدین» مانند: آیه «كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ» (انفطار، ۹) که مقصود، روز جزا است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۲۵).

- واژه «عذاب» مانند: آیه «وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ» (انعام، ۶۶) ضمیر «كَذَّبَ بِهٖ» در این آیه به عذاب برمی‌گردد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۳۸).

۶. واژه «دین» به‌عنوان یکی از متعلقات تکذیب، مانند آیه «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ

عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ» (زمر، ۳۲) که گفته شده مقصود از تکذیب صدق، تکذیب دین الهی است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۵۹).

۷. کلیدواژه «بهشت» به عنوان یکی از متعلقات تکذیب، مانند آیه «وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى» (لیل، ۹) که گفته شده مقصود از «حسنى» بهشت، ثواب و وعده الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۶۰).

۸. بخش مهمی از واژه‌های مرتبط با دروغ و مشتقات آن در قرآن مربوط به شرک و کفر، مشرک و کافر، نفاق و منافق و رفتار و گفتار شرک آمیز، کفرآلود و منافقانه است، مانند:

- استناد شرک به خدای تعالی در آیه «سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَ لَاءُ آبَاؤُنَا وَ لَأَ حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا» (انعام، ۱۴۸) که درحقیقت به معنای توجیه شرک است (انعام، ۱۴۸).

- توجیه در پرستش بت‌ها، مانند آیه «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ رُفْقَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ» (زمر، ۳).

- استناد فرزند برای خدای تعالی، مانند آیه «أَلَا أَنْ هُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ يُقُولُونَ؛ وَكَلَّمَ اللَّهُ وَ أَنْ هُمْ لَكَادِيبُونَ» (صافات، ۱۵۱-۱۵۲).

- کذب مشرکان علیه خود در قیامت، مانند آیه «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (انعام، ۲۴)؛ به این معنا که در قیامت ادعا می‌کنند هرگز مشرک نبوده‌اند، درحالی که در دنیا برای خدا شریک قائل بودند و بر این ادعا پافشاری می‌کردند و از روی غرور و طغیان زیر بار هیچ حجتی نمی‌رفتند. این همان کذب بر علیه خود است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۴۹).

- دروغ مشرکان هنگام مشاهده عالم آخرت، مانند آیه «وَ لَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ وَ أَنْ هُمْ لَكَادِيبُونَ» (انعام، ۲۸). مشرکان می‌گویند: اگر برگردانده شویم، ایمان را اختیار خواهیم کرد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۵۲).

- تبلیغ شرک و کفر، مانند آیه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَئِن لَّمْ يَأْتُوا بَدِيلًا لَّنَحْمِلَ حُطْيَانًا مِّمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۱۲). این آیه صراحت دارد که کافران تلاش می کردند مؤمنان را از راه دین خدا بازدارند و به دین خود برگردانند.

- دروغگوبودن کافران، مانند آیه «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبِينَ» (نحل، ۳۹).

- قسم دروغ منافقان در دنیا، مانند آیه «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون، ۱) و قسم منافقان در آخرت؛ مانند آیه «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا أَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (مجادله، ۱۸).

علاوه بر موارد بالا، واژگان نیز هستند که برخی مفسران، آنها را به شرک و کفر تفسیر کرده اند؛ مانند واژه «مسرف» در آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (غافر، ۲۸) که درباره مخالفت فرعونیان با حضرت موسی عليه السلام است و گفته مقصود از مسرف، شرک و کفر در مقابل انبیا است (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۷۱۱).

۹. واژه نعمت و مترادف آن به عنوان یکی از متعلقات تکذیب کافران و مشرکان، مانند واژه آلاء (نعمت الهی) که سی و یک مرتبه در سوره الرحمن تکرار شده است: «فِي أَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان».

۱۰. برخی از واژه های مرتبط با دروغ و مشتقات آن در قرآن مربوط به یهودیان است؛ مانند آیه «وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ» (مائده، ۴۱). یهودیان براساس مفاد این آیه، شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را دستاویزی برای تکذیب آن حضرت قرار می دادند.

### ۳-۳. تبیین دقیق نوع ارتباط واژه دروغ و مشتقات آن با واژگان دیگر قرآن

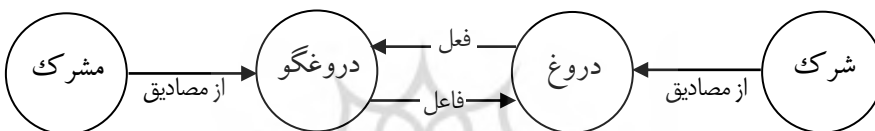
مهم ترین رکن ترسیم نقشه جامع دروغ در قرآن، کشف و تبیین دقیق ارتباطات آن با مفاهیم دیگر است که هم نشین یا به نوعی مرتبط با کلیدواژه دروغ و مشتقات آن هستند؛ البته همان گونه که پیش تر اشاره گردید، کشف همه ابعاد این مسئله، خود فرصت

مستقلی را می‌طلبد؛ در این مقاله، تنها برخی از اضلاع این نقشه به تصویر کشیده می‌شود. این ارتباطات به شرح زیرند:

### ۳-۳-۱. رابطه شرک با دروغ

میان شرک و دروغ در قرآن از چند جهت ارتباط است:

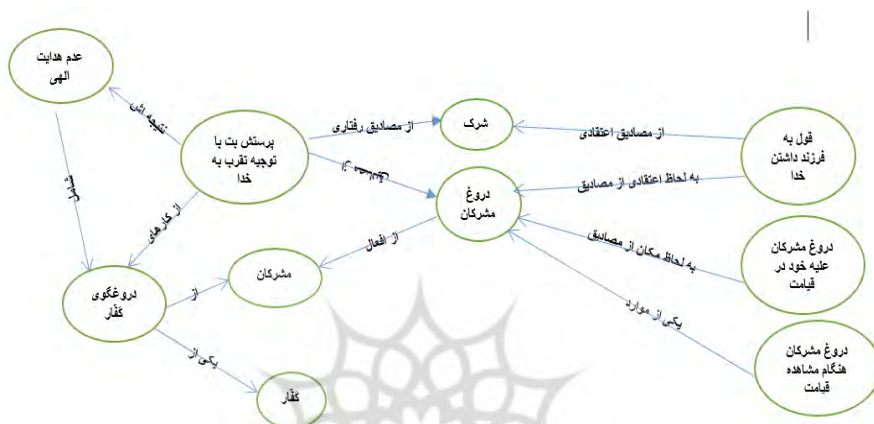
یک: سخنان شرک آمیز، مصداقی از دروغ است و قرآن کسانی را که می‌گویند خدای تعالی فرزند دارد، دروغگو نامیده است: «أَلَا أَن هُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ؛ وَلَدَ اللَّهُ وَ أُن هُمْ لَكَادِبُونَ» (صافات، ۱۵۱-۱۵۲)؛ پس مشرک، دروغگو است.



دو: توجیه در پرستش بت‌ها، دروغ است و کسانی که می‌گویند پرستش بت‌ها برای تقرب به خدای تعالی است، اولاً جزو دروغگویان‌اند؛ ثانیاً کفارند، یعنی بسیار ناسپاسند؛ ثالثاً از هدایت الهی محروم هستند. «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (زمر، ۳). از این آیه استفاده می‌شود که علت محرومیت مشرکان از هدایت الهی نیز به سبب همین توجیه آنها است.

سه: مشرکان در قیامت علیه خود نیز دروغ می‌گویند «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (انعام، ۲۴). مشرکان طبق این آیه در قیامت ادعا می‌کنند هرگز مشرک نبوده‌اند؛ درحالی که در دنیا برای خدا شریک قائل بودند و بر این ادعا پافشاری می‌کردند و از روی غرور و طغیان زیر بار هیچ حجتی نمی‌رفتند؛ این همان کذب علیه خود است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۴۹). از این آیه فهمیده می‌شود که دروغ‌بودن شرک، آن قدر واضح و آشکار است که مشرکان حاضر نیستند در قیامت به شرک خود اعتراف کنند؛ پس علیه خود نیز دروغ می‌گویند.

چهار: دروغ مشرکان هنگام مشاهده عالم آخرت یک مصداق دروغ در آخرت و دروغ مشرکان است: «وَلَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ وَآنْ هُمْ لَكَآذِبُوْنَ» (انعام، ۲۸). مشرکان هنگام مشاهده عالم آخرت می گویند: اگر برگردانده شویم ایمان را اختیار خواهیم کرد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۵۲).



### ۳-۲-۳. رابطه دروغ با افترا بر خدا

افترا بر خدا اگرچه شامل هر بدعتی در دین اعم از اصول و فروعش است، لیکن مورد افترا در آیات «فمن افتری علی الله الکذب» شرک و اتخاذ آلهه به غیر خدا است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۲). با توجه به این مطلب، برخی از اضلاع هندسه کذب در قرآن کریم در ارتباط با افترا بر خدای تعالی است (آل عمران، ۹۴؛ انعام، ۲۱، ۹۳ و ۱۴۴؛ اعراف، ۳۷؛ یونس، ۱۷؛ هود، ۱۸؛ کهف، ۱۵؛ مؤمنون، ۳۸؛ عنکبوت، ۶۸؛ شوری، ۲۴؛ صف، ۷).

این رابطه از چند جهت است:

یک: افترا بر خدا، بزرگ‌ترین دروغ و شرک، بزرگ‌ترین دروغگو است.

این مطلب با توجه به معنای افترا بر خدا است؛ علامه طباطبایی مراد از آن را نسبت دادن چیزی به ناحق یا بدون علم به خدای تعالی یا توصیف او به چیزهایی می‌داند که در او وجود ندارد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۸۸). استاد جوادی آملی معتقد است افترا به معنای اثبات منفی و انکار مثبت است و افترا بر خدا یعنی کاری را که خدا نکرده

است، به او اسناد دهند (اثبات منفی) و کاری که خدا انجام داده است، نفی و انکار کنند (انکار مثبت)؛ نظیر افترایبی که مدعی دروغین نبوت و منکر نبوت به خدا می‌بنند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۵۹۵).

با توجه به معنای افترا بر خدا، به نظر می‌رسد افترا متضمن معنای کذب نیز است؛ آن‌گاه این سؤال مطرح می‌شود که مقصود خدای تعالی از افترای کذب بر خداوند چیست. ممکن است گفته شود ذکر واژه کذب بعد از افترا، از باب تأکید است؛ گویا خدای تعالی با این تأکید خواسته است عظمت این گناه را برساند؛ همچنان که در جای دیگر فرموده است: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء، ۴۸). احتمال دیگر این است که ذکر واژه کذب بعد از افترا که خود متضمن معنای دروغ است، به جهت مصداق این افترا یعنی همان افترای بر خدا است و آن عبارت از شرک به خدای تعالی است که دروغ‌ترین دروغ‌ها است؛ زیرا بعضی از دروغ‌ها اگرچه از یک جهت دروغ‌اند، اما از جهتی دیگر ریشه در واقعیات دارند، مثل نسبت دزدی به یک شخصی که دزدی نکرده است؛ این نسبت از آن جهت که انتساب دزدی به شخص معین است، دروغ است؛ یعنی خبر غیرمطابق با واقع است؛ اما اصل دزدی در عالم خارج وجود دارد؛ ولی شرک، این‌گونه نیست؛ یعنی در عین اینکه انتساب شریک به خدای تعالی خلاف واقع است، خود شرک نیز اساساً امکان وجود ندارد؛ چون ممتنع‌الوجود بالذات است؛ بنابراین قرارداد شریک برای خدای تعالی از هر دو جهت، غیرمطابق با واقع است؛ به همین جهت دروغ‌بودن آن قابل مقایسه با سایر دروغ‌ها نیست؛ نتیجه اینکه مشرک، بزرگ‌ترین دروغگو است. دو: شرک، بزرگ‌ترین ظلم و مشرک ظالم‌ترین افراد است؛ نتیجه اینکه مشرک، دروغگوترین و ظالم‌ترین فرد است.

در مطلب پیش گفته ثابت شد که مشرک دروغگوترین فرد است؛ از سویی، شرک، ظلم عظیم «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳) و مشرک ظالم‌ترین است «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (انعام، ۹۳)؛ پس دروغگوترین افراد که مشرکان هستند، ظالم‌ترین افرادند.

سه: فلاح و رستگاری شامل دروغگوترین افراد (مشرکان) نمی‌شود: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام، ۲۱).

چهار: شدائد مرگ، قبض روح شدید و عذاب ذلت از جمله عذاب‌های دروغگوترین افراد (مشرکان) است.

خدای تعالی کسانی که به او افترا می‌بندند - و پیش‌تر ثابت گردید که این افراد همان مشرکان‌اند - وعده «غمرات موت» و «عذاب هون» داده و فرموده است: «وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أخرجوا أَنفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ» (انعام، ۹۳). مقصود از غمرات موت، شدائد و سختی‌های مرگ و مقصود از عذاب هون، عذاب ذلت است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۸۴).

پنج: مشرک (دروغگوترین افراد) سبب گمراهی مردم است: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام، ۱۴۴). مقصود از «مِمَّنِ افْتَرَى» مشرکان هستند که بر خدای تعالی افترای دروغ می‌بندند تا مردم را گمراه کنند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۶۵) و مقصود از لام در «لیضل» لام علت است؛ یعنی علت افترای مشرکان بر خدای تعالی، گمراه کردن مردم است (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۹۵).

شش: هدایت الهی شامل حال مشرک که بزرگ‌ترین دروغگو است، نمی‌شود «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (انعام، ۱۴۴). افترای مشرک به خدای تعالی سبب می‌شود مشمول هدایت الهی قرار نگیرد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۶۵)؛ پس دروغگوترین افراد که مشرکان‌اند مشمول هدایت الهی نیستند.

هفت: بهره‌مندی دروغگوترین فرد (مشرک) از دنیا. خدای تعالی کسانی را که به او افترای کذب می‌بندند، از بهره دنیا محروم نکرده است: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيْبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ» (اعراف: ۳۷). مقصود از نصیب از کتاب، آن چیزی است که مقدر شده است به انسان داده شود، مانند عمر، معیشت، ثروت، صحت، مال و فرزند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۲).

هشت: شهادت مشرک (بزرگ‌ترین دروغگو) بر کفر خود بعد مرگ: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا.. وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَن هُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» (اعراف: ۳۷) و

علت شهادت به کفر خود، مشاهده این حقیقت است که جز خدای تعالی، کسی مالک نفع و ضرر نیست و آنها در انتساب آن به غیر خدا، خطا کرده‌اند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۲).

نه: افترای کذب به خدا، جرم و مشرک (بزرگ‌ترین دروغگو) مجرم است و مجرم نیز رستگار نمی‌شود: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ» (یونس، ۱۷).

ده: افترای کذب به خدا یعنی شریک قرار دادن برای خدای تعالی سبب لعنت خدا است و مشرک (بزرگ‌ترین دروغگو) ملعون است. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا... أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (هود، ۱۸). برخی گفته‌اند: مقصود از لعنت، لعنت اخروی است که با لعنت دنیوی تفاوت دارد؛ همچنان که فرمود: «أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره، ۱۵۹). جهتش این است که دنیا، دار عمل و روز قیامت روز جزا است؛ یعنی هر چیزی که برای انسان ذخیره شده است، به او داده می‌شود؛ بنابراین مقصود از لعن کسی در قیامت، طرد او از رحمت خاصه مؤمنان و مسجّل شدن عذاب دوری از خدا برای او است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۸۹). پس مشرک در روز قیامت از رحمت خاصه الهی که مخصوص مؤمنان است، محروم و گرفتار عذاب دوری از خدا می‌شود.

یازده: عرضه مشرک (دروغگوی بزرگ) بر خدا برای فصل قضا در روز قیامت: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ» (هود، ۱۸).

آوردن محکوم علیه در محکمه، جهت اعلام محکومیتش توسط قاضی، خود نوعی خواری و عذاب است. مقصود از عرضه مشرکان بر خدا، آوردن آنها برای فصل قضا در پیشگاه خدای تعالی توسط فرشتگانی است که موکل آنها هستند، به گونه‌ای که حجابی بین آنها و پروردگارشان نیست (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۸۸).

دوازده: شهادت گواهان علیه دروغگویی مشرکان و تحقیر آنها در قیامت: «وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَى رَبِّهِمْ» (هود، ۱۸). درباره اینکه «أشهاد» جمع شهید است یا جمع شاهد، دو قول است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۳۱). علامه طباطبایی قول اول را





## نتیجه‌گیری

یکی از این شیوه‌های مدرن مدیریت اطلاعات در عصر حاضر شیوه آنتولوژی است که در این مقاله تلاش شده است با استفاده از آن، بخشی از اضلاع معارف مربوط به دروغ در قرآن به تصویر کشیده شود. نتایج به دست آمده به شرح ذیل است:

اولاً مواجهه با نقشه معارف مربوط به دروغ در قرآن، سبب احاطه اجمالی کاربران به این موضوع در کمترین زمان ممکن است.

ثانیاً نقشه‌ای که آنتولوژی مفهوم کذب در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد، نقشه عینی و منطبق با واقع است؛ به همین جهت احاطه علمی مخاطب اگرچه اجمالی، منطبق با واقع است.

ثالثاً با استفاده از این نقشه می‌توان فهمید اهتمام خدای تعالی در موضوع دروغ، بر محور چه مسائلی است و در این مقاله مشخص گردید که عمدتاً بر محور مسائل اعتقادی است و به نظر می‌رسد این مطلب بیانگر این حقیقت باشد که برای مبارزه با دروغ باید ابتدا به سراغ دروغ‌های مرتبط با اعتقادات رفت و با آنها مبارزه کرد. بدیهی است اگر چنین دروغ‌های در جامعه بشری وجود نداشته باشد، دروغ‌های فردی و جزئی نیز از جامعه رخت برمی‌بندد.

## فهرست منابع

\* قرآن

۱. اندلسی ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر: بیروت: دارالفکر.
۲. بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار احیاء التراث.
۳. بهشتی، ملوک السادات. (۱۳۹۳). طراحی و پیاده‌سازی علوم پایه بر اساس مفاهیم و روابط موجود در اصطلاح نامه‌های مرتبط. مجله پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰(۳)، صص ۶۷۷-۶۹۶.
۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۸۸). شرح المختصر (چاپ پنجم). قم: نشر اسماعیلیان.
۶. جرجانی، محمد بن علی. (بی تا). کتاب التعریفات. تهران: نشر ناصر خسرو.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). تسنیم تفسیر قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: نشر دارالعلم الدارالشامیه.
۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله. (۱۴۱۹ق). ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن. بیروت: نشر دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. شبّر، سید عبدالله. (۱۴۱۲ق). تفسیر قرآن الکریم شبّر. بیروت: نشر دارالبلایة للطباعة و النشر.
۱۱. شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). فتح القدر. دمشق: دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
۱۲. شیخ شعاعی، فاطمه. (۱۳۸۴). هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی. مجله فصلنامه کتاب، (۴)، صص ۱۸۹-۱۹۴.
۱۳. صفری، مهدی. (۱۳۸۳). مدل‌سازی مفهومی در بازنمون رسمی دانش‌شناختی در هوش

- مصنوعی و نظام‌های اطلاعاتی. مجله اطلاع‌شناسی، (۴)، صص ۷۵-۱۰۲.
۱۴. صنعت جو، اعظم. (۱۳۸۴). ضرورت بازننگری در ساختار اصطلاح‌نامه‌ها. مجله فصلنامه کتاب، (۶۴)، صص ۷۹-۹۲.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین. ایران: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: نشر دار احیاء التراث العربی.
۱۸. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: نشر دار الآفاق الجدیدة.
۱۹. علامه طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۰. فتاحی، رحمت‌الله؛ ریسمانباف، امیر. (۱۳۹۵). بازشناختی از دانش‌شناسی. تهران: نشر کتابدار.
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب. تهران: نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۲. کاشانی، ملا فتح‌الله. (۱۴۲۳ق). زبده التفاسیر. قم: نشر بنیاد معارف اسلامی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). کافی (چاپ اول). قم: نشر دارالحدیث.
۲۴. منصوب به امام صادق علیه السلام. (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعه (چاپ اول). بیروت: نشر اعلمی.
۲۵. نراقی، مهدی بن ابی ذر. (بی‌تا). جامع السعادات. بی‌جا.

## References

\* The Holy Qur'an

1. Allameh Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Tafsir Almizan*. Qom: Islamic Publications Office of the Teachers Association. [In Arabic]
2. Andolosi Abu Hayyan, M. (1420 AH). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*: Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. Appointed to Imam Sadegh. (1400 AH). *Mesbah al-Sharia*. (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: A'alami Publication. [In Arabic]
4. Askari, H. (1400 AH). *Al-Forough fi al-Loqat*. Beirut: Dar Al-Afaq Al-Jadeedah. [In Arabic]
5. Balkhi, M. (1423 AH). *Interpretation of Maqatil Ibn Sulayman*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
6. Beheshti, M. (1393 AP). Design and implementation of basic sciences based on concepts and relationships in related thesauri. *Journal of Information Processing and Management*, 30(3), pp. 677-696. [In Persian]
7. Beizawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Ta'awil*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
8. Fatahi, R., & Rismanbaf, A. (1395 AP). *An Identification of Science Studies*. Tehran: Ketabdar Publications. [In Persian]
9. Javadi Amoli, A. (1390 AP). *Tasnim Tafsir Quran*. Qom: Esraa Publishing Center. [In Persian]
10. Jorjani, M. (n.d.). *Kitab al-Ta'arifat*. Tehran: Nasser Khosrow Publications.
11. Kashani, M. (1423 AH). *Zobdah al-Tafasir*. Qom: Publication of the Islamic Knowledge Foundation. [In Arabic]
12. Koleyni, M. (1429 AH). *Kafi*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Dar al-Hadith Publications. [In Arabic]
13. Naraqi, M. (n.d.). *Jame' al-Sa'adat*.
14. Qomi Mashhadi, M. (1368 AP). *Tafsir Kanz al-Daqa'iq va Bahr al-Qara'ib*. Tehran: Publication of the Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance. [In Persian]

15. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Qarib al-Qur'an*. Damascus: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiyah. [In Arabic]
16. Sabzevari Najafi, M. (1419 AH). *Irshad al-Adhan ila Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Ta'rif Publishing House. [In Arabic]
17. Safari, M. (1383 AP). Conceptual modeling in the formal representation of cognition in artificial intelligence and information systems. *Journal of Information Studies*, (4), pp. 75-102. [In Persian]
18. San'atjoo, A. (1384 AP). The need to review the structure of thesauruses. *Journal of Book*, (64), pp. 79-92. [In Persian]
19. Sheikh Shoa'ei, F. (1384 AP). Ontologies and the Semantic Web. *Journal of Book*, (4), pp. 189-194. [In Persian]
20. Shobbar, S. A. (1412 AH). *Tafsir Qur'an al-karim Shobbar*. Beirut: Dar al-Balaghah le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
21. Shokani, M. (1414 AH). *Fath al-Qadir*. Damascus: Dar Ibn Kathir and Dar Al-Kalam Al-Tayyib. [In Arabic]
22. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majm'a al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow Publications. [In Persian]
23. Taftazani, S. (1388 AP). *Sharh al-Mukhtasar*. (5<sup>th</sup> ed.). Qom: Esmailian Publications. [In Persian]
24. Tarihi, F. (1408 AH). *Majma' al-Bahrain. Iran: Maktab Nashr al-Thaqafah al-Islamiyah*. [In Arabic]
25. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.